

منابع نفت و گاز دریای مازندران؛

مرکز ثقل کشمکش‌های بزرگ

چهارم بهره‌برداری از بعضی مناطق نفت‌خیز مهم جهانی به علت وضع دشوار و خطرناک طبیعی آنها (مانند منابع تاریم در منطقه «دریای مرگ» در سواحل چین) یا علل سیاسی مانند منابع ویت‌نام، در وضع کنونی ناممکن یا بسیار دشوار است. و پنجم، و مهمتر از همه، نیاز روز افزون و جایگزین‌ناپذیر مصرف نفت و گاز در جهان، به این علل شرکتهای بزرگ نفتی بسوی منطقه دریای مازندران هجوم آوردند.

۵ کشور و یک دریای بسته

و اما مسائل و مشکلاتی که در اثر علل و شرایط فوق دامنگیر کشورهای ساحلی این دریا شده، بر دو گانه است: یک بخش مربوط به بهره‌برداری و کسب

این کشورهای نوپیدا برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری (نیاز مبرم این دولتها به درآمد، کم اطلاعاتی بعضی از دولتمردان آنها از شرایط اقتصادی جهان، رقابت میان این دولتها و دولتمردان، وجود نیروی کار متخصص یا نیمه متخصص کافی در این کشورها، پائین بودن شدید دستمزدها و بهای زمین و مواد ساختمانی و کالاهای دیگر و در نتیجه ارزان تمام شدن بهای تولید و به دست آوردن سود سرشار)، دوم به خاطر ته کشیدن و خشک شدن بعضی از منابع مهم نفت و گاز جهان. مثلاً چاه‌های نفت دریای شمال و آمریکا و مکزیک نفسهای آخر خود را می‌کشند و منابع نفت بعضی کشورهای دیگر قاره آمریکا مانند ونزوئلا و کولومبیا و اندونزی و برمه در آسیا رو به پایان

می‌روند. سوم کشورهای نفت‌خیز منطقه مهم و حیاتی خلیج فارس به تدریج در زمینه صنعت نفت رو به خودکفایی می‌روند و بعضی از آنها مانند کشور ما هم اکنون در زمینه بهره‌برداری و استخراج از شرکتهای بیگانه تقریباً بی‌نیاز شده‌اند. و نیز ادعاها و توقعات کشورهای دیگر این منطقه روز به روز بیشتر می‌شود.

نوشته دکتر انور خامه‌ای



یکی از پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی-سیاسی کنونی جهان مسئله دریای مازندران و بهره‌برداری از منابع آن است. چون کشور ما یکی از قدیمی‌ترین کرانه‌داران این بزرگترین دریاچه جهان است، بی‌شک در تمام مسائل و مشکلات آن سهم و ذینفع است. یکی از مهمترین این مسائل بهره‌برداری از منابع عظیم نفت و گاز فلات قاره این دریا که به حق مالکیت کشورهای کرانه آن و اختلافهایی که در این زمینه میان بعضی از آنها وجود دارد مربوط می‌شود. برای بررسی این مسئله نخست نگاهی به علل و عواملی که آن را در سالهای اخیر بطور جدی طرح کرده است می‌افکنیم و سپس به کالبدشکافی و تحلیل اصل مسئله می‌پردازیم.

در آغاز دهه کنونی فروپاشی دولت شوروی موجب پیدایش کشورهای جدیدی همچون قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان شد. این کشورهای نوپیدا با منابع عظیم و سرشار طبیعی که دارند و با آمادگی خودشان برای بهره‌برداری کامل از آنها، توجه شرکتهای و مؤسسات اقتصادی بزرگ جهان، و در درجه اول شرکتهای سرمایه‌داری چند ملیتی را به سوی خود جلب کردند. شرکتهای بزرگ نفتی به علل زیر پیش از همه به این منطقه چشم دوختند و در صدد کسب امتیاز و بهره‌برداری از منابع هنگفت آن برآمدند: نخست به علت شرایط مساعد



درآمد از منابع طبیعی، به ویژه نفت و گاز این دریا است و خواه و ناخواه وابسته به حق مالکیت هر کدام از این کشورها بر منابع مزبور، و حق استفاده از این منابع می‌شود، و بخش دیگری با حمل و نقل محصول نفت و گاز هر کدام از آنها به کشورهای دیگر جهان ارتباط دارد. طبیعی است که مسائل بخش دوم تابع مسائل بخش اول است، چون اگر محصولی وجود نداشته باشد، حمل و نقل آن خود به خود متفتی است. پس با مسائل و مشکلات بخش اول آغاز می‌کنیم و پیش از طرح این مسائل لازم است نگاهی به

بسته‌بودن دریای خزر به کشورهای واقع بر سواحل آن اجازه می‌دهد نسبت به منابع خارج از حریم اختصاصی خود ادعای حق کنند

وضع جغرافیائی این دریا و کرانه‌نشینان آن بی‌فکتیم. دریای مازندران دریایی است بسته و محیط آن تقریباً ۳۱۵۰ کیلومتر است که اکنون میان پنج کشور، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و ایران تقسیم می‌شود. پیش از فروپاشی اتحاد شوروی این دریا و منابع آن فقط متعلق به ایران و شوروی بود. کمی بیش از یک چهارم سواحل دریا متعلق به ایران و بقیه در اختیار شوروی بود. مطابق قرارداد ۱۹۲۱ میلادی و منضمات آن حق کشتیرانی در این دریا در انحصار شوروی قرار داشت، ولی ایران حق بهره‌برداری از آبهای ساحلی خود را دارا بود که بیشتر به صید آبزیان محدود می‌شد. اما پس از فروپاشی شوروی وضع بکلی تغییر کرده است. امروزه ۳۷/۴ درصد از سواحل این دریا به جمهوری قزاقستان تعلق دارد، ایران و روسیه هر کدام ۱۷/۶ درصد از کرانه‌ها آن را در اختیار دارند، ترکمنستان صاحب ۱۷/۴ درصد این سواحل و جمهوری آذربایجان فقط سالک ۸ درصد آن است. طبق پژوهشهای زمین شناختی و معدنشناختی در تمام کف این دریا امکان کشف منابع عظیم نفت و گاز وجود دارد که در بعضی نواحی آن به ثبوت رسیده است. بدین سان پس از منطقه خلیج فارس، دریای مازندران یکی از غنی‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان به شمار می‌رود.

مشکل عمده ناشی از این واقعیت است که دریای مازندران یک دریای بسته است. اگر دریای آزاد بود، هر یک از کشورهای کرانه آن از فلات قاره خود طبق مقررات بین‌المللی بهره‌برداری می‌کردند و مشکلی پیش نمی‌آمد. اما چون این دریا بسته است، هر کدام از این کشورها می‌توانند نسبت به نواحی

مرکزی و درونی آن ادعای حق بهره‌برداری کنند. مساحت این دریا کلاً حدود ۲۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع است. اگر حریم دریائی کشورهای ساحلی را که ۱۲۰۰ کیلومتر مربع یعنی ۲۲/۲۲۴ کیلومتر است و کلاً حدود ۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌شود از آن کم کنیم ۴۲۹ هزار کیلومتر مربع باقی می‌ماند که هر کدام از کشورهای کرانه

این دریای می‌تواند خود را دارای حق بهره‌برداری از منابع آن بشمارد. به ویژه روسیه که مدت یک قرن و نیم فرمانروای منحصربه‌فرد این دریا بوده است. همچنین قزاقستان که اکنون نزدیک به دو پنجم سواحل آن را در اختیار دارد. مساحتی ترکمنستان و آذربایجان و ایران نیز می‌توانند چنین ادعایی داشته باشند.

افزون بر این، از هنگامی که شرکتهای بزرگ نفتی آمریکائی، انگلیسی، هلندی و چند ملیتی در حدود بهره‌برداری از نفت و گاز این دریا افتاده و مذاکراتی را با قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان شروع کرده‌اند، روسیه به استناد سوابق فرمانروایی بر این دریا و پیوند کشورهای مشترک المنافع مدعی است که برای

بهره‌برداری از این منابع بر دولتهای غیر ساحلی مانند آمریکا، انگلیس، هلند، ژاپن و غیره اولویت دارد. از ۱۹۹۳ شرکت شورون اویل آمریکا پیشنهادی برای بهره‌برداری از نفت ناحیه تنگیز قزاقستان به این دولت ارائه داده و ظاهراً به مرحله اجرا نیز رسیده است. ذخیره نفت این ناحیه را حدود ۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده‌اند. شرکت آمریکایی موبیل، که همان سوکونی و اکیوم قدیمی و یکی از هفت عجزه نفتی است، و علاوه بر شرکت در بهره‌برداری از منابع خلیج فارس و خاورمیانه روی نفت کانادا و

ویت‌نام نیز دست انداخته است، برای گرفتن امتیاز نفت و گاز از ترکمنستان با این دولت وارد مذاکره شده است. همچنین کنسرسیومی مرکب از سه شرکت آمریکایی یونیکال، آموکو و پنس اویل و شرکت انگلیسی بی پی امتیاز بهره‌برداری از حوزه نفتی چیزاک را که ذخیره نفتی آن ۱/۵ میلیارد بشکه

شرکت زرین جوجه تولیدکننده مرغ مادر (گوشتی)

تهران، خیابان توحید،
نبش فرصت، شماره ۴۵،
طبقه سوم
تلفن: ۹۲۶۵۶۴ ، ۹۲۲۷۰۷

برآورد شده است، و شرکتهای روسی لوک اوپیل و روس نفت امتیاز حوزه کپز را از جمهوری آذربایجان گرفته‌اند. و نیز شرکتهای نفتی تکساکو (آمریکایی)، میتسوبیشی (ژاپنی)، شل (انگلیسی-هلندی)، الف و توتال (فرانسوی) پیشنهادهایی برای بهره‌برداری نفت و گاز منطقه به دولتهای قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان داده‌اند.

چنانکه گفتیم این پیشنهادهای و امتیازها با مخالفت و اعتراض روسیه و کشورهای دیگر منطقه رویه رو شده است. دولتهای روسیه و ترکمنستان با دادن امتیاز حوزه چیزاک از جانب آذربایجان مخالفت کرده و آن را خارج از حقوق این جمهوری دانسته‌اند. همچنین ترکمنستان به قرارداد امتیاز حوزه کپز میان آذربایجان و روسیه اعتراض کرد و روسیه نیز اخیراً این اعتراض را وارد دانست و امتیاز مزبور را فسخ کرد. با وجود این کشمکش میان دولتهای منطقه و رقابت میان شرکتهای بزرگ نفتی جهانی بر سر بهره‌برداری نفت دریای مازندران همچنان ادامه

دارد.

مسیرهای سه‌گانه

اکنون به بخش دیگری از مشکلات نفتی این منطقه یعنی حمل و نقل فرآورده‌های نفت و گاز آن به خارج از منطقه یعنی اروپا، آمریکا و خاور دور بپردازیم. چنانکه معلوم است این محصولات را بطور عمده جز بوسیله لوله‌های نفت و گاز نمی‌توان منتقل ساخت. تاکنون سه مسیر اصلی برای این لوله‌های پیش‌بینی شده است. یکی از راه روسیه. در این زمینه پیشنهاد شده است نفت حوزه تیکزای قزاقستان با لوله‌ای به بندر نووراسیک در کرانه دریای سیاه حمل شود و همچنین روسیه می‌کوشد نفت آذربایجان را با لوله‌ای از ورای جمهوری چچن به دریای سیاه برساند. اما هر دو پیشنهاد با مخالفت آمریکا مواجه شده‌اند و دومی با مشکلاتی نیز از طرف چچنها روبرو گردیده است. مسیر پیشنهادی دوم از طریق جمهوریهای قفقاز و ترکیه به سواحل

دریای سیاه است. این مسیر که برای محصولات قزاقستان و ترکمنستان باید با لوله‌ای از میان دریای مازندران عبور کند و سپس از آذربایجان و ارمنستان رد شود و به ترکیه برسد بسیار گران تمام می‌شود و تقریباً غیر عملی است. در مورد انتقال نفت آذربایجان، این کار احتمالاً با مقاومت ارمنستان رویه رو خواهد شد و مستلزم حل قبلی مسئله قره باغ علیا خواهد بود. مسیر سوم این لوله‌ها از خاک ایران و ترکیه به کرانه مدیترانه است. این مسیر اولاً کم‌خرج‌تر از مسیر دوم است و ثانیاً با منازعه ارمنستان و آذربایجان رویه رو نخواهد شد. ولی تا این اواخر آمریکا با این طرح به دلایل سیاسی مخالفت م کرد. ولی به تازگی با انتقال گاز ترکمنستان از این مسیر موافقت کرده است. بنابراین بعید نیست با انتقال نفت ترکمنستان و آذربایجان با لوله از این راه که بسیار با صرفه و اقتصادی است نیز موافقت کند.

□



آژانس مسافرتی

کیهان سفر

(عضو یاتا)





نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، جنب نهضت سوادآموزی، شماره ۱۱۷

تلفن: ۶۵۴۸۶۰ - ۶۵۲۳۴۵ - ۶۵۵۹۲۶ - ۶۵۵۸۴۴ - ۶۵۲۸۸۴

۸۸۶۳۷۲۲ - ۶۵۲۸۴۴ - ۶۵۲۸۹۹ - ۶۵۲۸۸۵

فاکس: ۸۸۶۳۷۲۳ تلکس: ۲۲۴۶۹۶ FMTZ